

## پیام کوتاه، رسانه‌های بلند



رضا صانمی

خبرنگار گروه فرهنگ

جذب مخاطب و شیوه‌های افزایش طیف تماشاگران همواره یکی از مهمترین دغدغه‌های اصحاب رسانه بوده است و چنانچه از مطالعه نظریه‌های مختلف ارتباطات بر می آید اولین گام در جهت ساخت برنامه‌ها و تولیدات رسانه‌ای داشتن مخاطب است؛ چراکه بهترین و خوش‌ساخت‌ترین برنامه بدون مخاطب در همان ابتدا اقیم می‌ماند و به هدف خویش نمی‌رسد. بحرانی که امروز سینمای ما را به شدت تهدید می‌کند همین کاهش مخاطب است که البته گاهی به جای رشد و ایجاد انگیزه برای بهبود وضعیت کیفی محصولات خود به ابتذال و عوام‌زدگی سوق می‌یابد تا مخاطب را به هر قیمتی که شده پای تماشای اثر خود بنشانند! اما از سوی دیگر اگر صندلی‌های سینمای ما نیز خالی باشد تولید بهترین فیلم‌های سینمایی نیز فایده‌ای ندارد و راه به جایی نمی‌برد. در واقع بحران مخاطب از دو سوی متضاد، رسانه ما را تهدید می‌کند. این وضعیت برای تلویزیون که قرار است رسانه ملی باشد از حساسیت‌های بیشتری برخوردار است، چرا که در تلویزیون نه فقط فیلم، طنز و سرگرمی بلکه برنامه‌های متعدد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و هنری بخش می‌شود که باید طیف بیشتر و متنوع‌تری از افراد جامعه را پوشش دهد و به نیازهای ضروری، ثانویه و فانتزی آنان پاسخ گوید. در تلویزیون طیف مخاطبان از بچه پنج‌ساله تا پیرمرد ۹۰ ساله را شامل می‌شود که هر کدام بنا به اقتضای سنی و شغلی خویش به برنامه‌های ویژه‌ای نیازمندند و هر کدام مخاطب‌شناسی خاص خود را دارند. قطعاً مخاطب برنامه‌های کودک به مولفه‌هایی در جذابیت برنامه توجه می‌کند که مخاطب برنامه‌های مستند علمی به آن بی‌توجه است یا برنامه ورزشی به دلیل وابستگی‌ای که به طیف جوان دارد، باید شاخص‌های یک برنامه جوان‌پسند را دارا باشد. ضمن این که تلویزیون هر روز و در تمام ساعات‌های شبانه‌روز در حال پخش برنامه است و مخاطبان آن هر زمان که اراده کنند، می‌توانند به تماشای آن مشغول شوند؛ لذا تأثیرات روانی اجتماعی آن بیش از هر رسانه دیگری بر مخاطبان تأثیر دارد. براین اساس مقوله مخاطب‌شناسی و شیوه‌های جذب آن برای تلویزیون به‌عنوان یک رسانه بزرگ و همه‌گیر بیش از هر امر دیگری واجد اهمیت است. اما آنچه هسته اصلی و جوهره جذب مخاطب را تشکیل می‌دهد و به اصطلاح مخاطب را جذب پیام رسانه می‌کند، مسئله اعتمادسازی است. در واقع اعتماد مخاطب به رسانه بزرگترین سرمایه و ابزار آن رسانه است که مبتنی بر آن می‌تواند به تداوم هستی هنری خویش امیدوار باشد و ریزش مخاطب به تدریج منجر به سقوط هویت و هستی یک برنامه هنری می‌شود. طی سال‌های اخیر و با گسترش روزافزون ارتباطات و فناوری‌های اطلاعات به‌ویژه موبایل و اینترنت، ایمیل، اس‌ام‌اس شرایط مساعدی فراهم شد تا شکل و دامنه ارتباطات میان برنامه‌سازان و مخاطبان عمق بیشتری به خود بگیرد. در این میان اس‌ام‌اس یا همان پیام کوتاه به دلیل سرعت عمل بیشتر و ارتباط سریع‌تر بیشتر مورد توجه رسانه‌ها به‌ویژه تلویزیون قرار گرفت. پیام کوتاه این فرصت را به مخاطبان می‌دهد که افکار، اندیشه‌ها، دیدگاه‌ها و سلیقه‌شان را در باره برنامه‌های مختلف بیان کنند و دست‌کم مطمئن باشند که این پیام‌ها به مقصد می‌رسد و دیده می‌شود. فناوری پیام کوتاه از دو منظر برای رسانه‌ای مثل تلویزیون کاربرد داشته و به دو نیاز تاریخی آن پاسخ داده است؛ یکی به لحاظ اعتمادسازی و جلب مخاطب و دیگری از حیث مشارکت تماشاگر و مخاطب در فرآیند تولید رسانه‌ای. به عبارتی دیگر این فناوری به نظریه منفعل بودن مخاطب و تأثیر یکسویه و پروپاگاندایی رسانه بر مخاطب پایان داد و به ارتباط دوسویه و تعاملی مخاطبان و رسانه‌ها منجر شد. در واقع پیام کوتاه روشی کوتاه برای تبدیل تماشاگری صرف و منفعل به مخاطبی فعال و اثرپخش است. یکی دیگر از کارکردهای پیام کوتاه در برنامه‌تلویزیونی مسابقه‌های رسانه‌ای است که مخاطب را به مشارکت فعالانه در رسانه ترغیب می‌کند و هیجان بیشتری به آن می‌بخشد. قرعه‌کشی و شیوه انتخابی برندگان مسابقه در صفحه تلویزیون نیز بر اعتماد مخاطبان می‌افزاید. اعتمادسازی و پرورش مخاطبان فعال اهداف بزرگی برای یک رسانه است که با اختراع رسانه‌های دیگر مثل پیام کوتاه تا حدودی محقق شده است. دموکراسی نه‌فقط مبانی فلسفی و تکنیک دارد، که به ابزارها و فناوری خاص نیز محتاج است. شاید هیچ فناوری و رسانه‌ای مثل پیام کوتاه مصداق این سخن مک‌لوهان نباشد که رسانه، خود پیام است.

نگار: نمایش پوستر به نویسندگی و کارگردانی جلال تهرانی



## پاییز تمازت

## اجراهای رسمی تهران، در کنار اجراهای زیرزمینی، عنوانی است که می‌توان با آن وضعیت این روزهای هنرهای نمایشی را توصیف کرد

متن به‌تازگی نوشته شده‌اند. در خلاصه داستان این نمایشنامه که قرار است با بازی حمیدرضا آذرنگ و سارا رسول‌زاده روی صحنه برود، آمده است: «دختری به مطب تریاژیستی میانسال می‌رود در حین گفت‌وگو، رازهایی از گذشته و زندگی هر دو آشکار می‌شود؛ تا جایی که فجایعی عجیب بر ملا می‌شود...»

## باز تولید نمایش‌هایی جواب پس داده

بازتولید نمایش‌هایی که پیش از این اجراهای عمومی موفق‌تری را پشت سر گذاشته و ثابت کرده‌اند که نه تنها از پس هزینه‌های جاری خود برمی‌آیند که روی صحنه رفتن دوباره‌شان چه برای گروه اجرایی و چه برای سالن محل اجرا سودآور است، ظاهراً به فرمول این روزهای تئاتر رسمی تهران بدل شده است. اقدامی که اگرچه انجام آن توسط سالن‌های تئاتر خصوصی به دلیل ملاحظات اقتصادی قابل توجیه است اما روی آوردن سالن‌های دولتی به آن را جز با سودجویی اقتصادی نمی‌توان توجیه کرد. اتفاقی که چندی پیش با بازاجرای نمایش «پیرونی برای دیکتاتور» بر اساس نمایشنامه «اسم» نوشته ماتئو دولپرت و الکساندر دولانتویلیو، با ترجمه فرامرز زنگنه، به کارگردانی علی احمدی و با بازی بازیگرانی چون پژمان جمشیدی و محسن کیایی در سالن اصلی مجموعه تئاتر شهر رخ داد و هم‌اکنون با بازاجرای نمایش «مالی سوئینی» با بازی صابر ابر، علی سربابی و الهام کردا در تالار وحدت تکرار می‌شود. اثری که عنوان پر فروش‌ترین و پر مخاطب‌ترین نمایش سال ۱۳۹۷ را به دوش می‌کشد و بیش از این سال ۱۳۹۴ با بازی صابر ابر، عباس جمالی و الهام کردا در تماشایخانه ایرانشهر و سال ۱۳۹۷ با بازی صابر ابر، امیر آقایی و الهام کردا در سالن اصلی مجموعه تئاتر شهر روی صحنه فرمته بود. چنانچه «پیرونی برای دیکتاتور» نیز پیش از آن که برای بار سوم در سالن اصلی مجموعه تئاتر شهر روی صحنه برود، دو دور اجرای عمومی را پشت گذاشته بود؛ سال ۱۳۹۴ در تماشایخانه ایرانشهر و سال ۱۳۹۶ در تماشایخانه بالیز. روی صحنه رفتن نمایش‌هایی که قبل‌تر اجراهای عمومی پر مخاطبی را تجربه کرده‌اند بیش از هر چیز شائبه پرنگ‌تر شدن تأثیر میزان فروش در جلب توجه متولیان دولتی هنر به تئاتر را پیش می‌کشد و این سوال را مطرح می‌کند که اگر بحث تضمین فروش مطرح نیست، پس چرا چندی پیش سالن اصلی مجموعه همچنان بی‌مدیر تئاتر شهر و اکنون تالار وحدت، میزبان بازاجرای «پیرونی برای دیکتاتور» و «مالی سوئینی» شدند و می‌شوند؟!

## بازاجراهایی از زاله صامتی تا عمار تقتی

گزینه‌های تماشاگران این روزهای تئاتر رسمی تهران البته محدود به همین گزینه‌ها نیست و بازاجرای نمایش «محبوبه‌ها» به کارگردانی زاله صامتی، بر اساس متنی از نوشین تبریزی که پیش‌تر در سال ۱۳۹۷ روی صحنه رفته بود از جمله دیگر اجراهای این روزهای شهر تهران است. زاله صامتی این نمایش را از ۲۰ آبان‌ماه در سالن شماره یک عمارت هما روی صحنه خواهد برد. عمار تقتی، دیگر بازیگر شناخته‌شده‌ای است که این روزها با بازاجرای «در دوشان» میزبان تماشاگران است. او این اثر را که از آن با عنوان «نمایش - موسیقی» یاد می‌شود در سال ۱۴۰۲ در سالن استاد ناظرزاده کرمانی تماشایخانه ایرانشهر روی صحنه برده بود و هم‌اکنون در حال اجرای آن در خانه نمایش دا است. اثری که مدعی است با محوریت سایکودرام و گروه‌درمانی روی صحنه رفته است و روایتی واقعی از آن چیزی است که بر روان آدمی می‌گذرد. ضمن این که ادعا می‌کند، در همین حسین راه نجات از تله‌های روانشناسی که اکثریت قریب به اتفاق جامعه را در برگرفته، پیش‌پای مخاطب خود می‌گذارد. جمع این بازاجراها، این نمایش‌های پیش از جواب پس داده در جذب مخاطب، ترکیبی را شکل می‌دهد که از آن با عنوان «آبان رنگارنگ تئاتر» یاد می‌شود، هر چند چنانچه گفته شد برای آن که روایت درست‌تری از موقعیت به دست دهد، باید گفت «آبان تئاتر رسمی تهران» تا مشخص شود، ضمن جدیت گروه‌های در حال اجرا در جریان غیررسمی تئاتر که خود را بی‌نیاز از اخذ مجوز می‌بینند، آن‌چه گفته شد نیز نه شامل تمام ایران که تنها محدود به تهران است.

## ۲ کارگردان از ۲ نسل

این عنوانی است که برای توصیف هم‌زمانی روی صحنه رفتن اکبر زنجانیپور، زاده ۱۳۲۳ و جلال تهرانی، زاده ۱۳۴۷ به کار برده می‌شود. زنجانیپور که آخرین حضور تئاتری‌اش، اجرای نمایش «باغ‌آلبالو» نوشته آنتوان چخوف در سال ۱۳۹۵ در تالار وحدت بود این بار قرار است علاوه بر کارگردانی، به‌عنوان بازیگر نیز روی صحنه برود. او در کنار هوشنگ قورائلو و محسن بهرامی، گروه بازیگران نمایش «اکتینگ» نوشته زویه دورنزه را شکل می‌دهد که پیش‌تر همراه با نمایشنامه «هوس کشتن روی نوک زبان» با ترجمه زویبا خادم حقیقت توسط نشر نیماژ منتشر شده بود. در توضیح این دو نمایشنامه آمده است که دورنزه، نمایشنامه نویسی و کارگردان تئاتر و سینمای معاصر فرانسوی در آثار نمایشی خود با زبانی خاص، شخصیت‌های تنهایی را به تصویر می‌کشد که در فرار از گذشته نافرجام، در هراس از آینده‌ای نامشخص و در رویارویی با افرادی از جنس خود در دنیایی خوشنوتر، ناامیدانه در پی رنگ بخشیدن به لحظه‌های زمان حال خود هستند. در مورد اجرای تازه جلال تهرانی نیز گفته می‌شود، به‌گانه «بونکر» عنوان سه نمایشنامه از اوست و هر سه

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کریم‌ساجی

• مشاوران: عباس عیدی و احمد زیدآبادی

• سردبیر: محمدجواد روح • معاون سردبیر: مهرداد خدیو • امید عرب (مدیر آنلاین)

• دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمن منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)

• علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)

• مدیر اداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری

• مدیر هنری: مهدی قربانی تبار

• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

۲۴ ساعت

24 HOURS

hammihanmedia@gmail.com

@Hammihanonline

• تلفن روابط عمومی: ۰۰۸۸۷۴۹۳۰ • تحریریه: ۰۰۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۰۰۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸  
• لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • تلفن چاپخانه: ۰۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۰۲۱۰۹۱۳۰۴۱۴۲

## چهره

## از معماران تئاتر نوین ایران



ششم آبان‌ماه سالروز درگذشت شاهین سرکیسیان است. او یکی از معماران تئاتر نوین در ایران است و بعد از عبدالحسین نوشین، نقش او را در این اتفاق برجسته می‌دانند. علی نصیریان، بیژن مفید، فهیمه راستکار، جمشید لایق و اسماعیل داووفر از جمله شاگردانی بودند که

سرکیسیان تربیت کرد. شاهین سرکیسیان سال ۱۳۸۹ خورشیدی از مادری بلغاری ارمنی و پدری ایرانی ارمنی در وارنا بلغارستان چشم به جهان گشود. تحصیلات خود را در فرانسه و در رشته حقوق به انجام رسانید، ولی عشق به تئاتر سبب شد در رشته خود کمتر فعالیت کند. او در سال ۱۳۱۷ به ایران بازگشت، به استخدام مجله «ژورنال دو تهران» درآمد و با تئاترهای سعدی و تهران، همکاری و با روشنفکران آن روزگار رفاقت کرد. سرکیسیان اوایل دهه ۳۰ و پیش از کودتای ۲۸ مرداد، همراه با گروهی از جوانان، جلسات تئاتری را در منزل خود برپا و آنها را با متدهای دو استاد مهم تئاتر روسیه، استانیسلاوسکی و مرمهولود آشنا کرد. سرکیسیان در سال ۱۳۳۹ به انجمن فرهنگی آرارات دعوت شد، گروه تئاتر «آرمن» را تشکیل داد و تا سال ۴۵ حدود ۱۴ نمایشنامه را به زبان ارمنی در همین تالار به صحنه برد و تئاتر بین‌المللی را به جامعه ارمنی معرفی کرد.

شاهین سرکیسیان / طرح از آرنی واتسیان

## کتابخانه

## لحظه سیاه و مغفول شوروی

کتاب «کشتی فیلسوفان» نوشته لزی جمبرلین، داستان تراژیک تبعید گروهی از اولین روشنفکران مخالف و منتقد توتالیتر بسم شوروی از آمانشهر مخوف لنینیستی است. کتاب «کشتی فیلسوفان: جنگ شخصی لنین و تبعید اندیشمندان»، با عنوان اصلی Lenins Private War: The Voyage of the Philosophy Steamer and the Exile of the Intelligentsia، روایت تلخ ماجرای تبعید تعداد زیادی از روشنفکران از روسیه در سال ۱۹۲۲، یعنی اوایل استقرار حکومت شوروی در این کشور است. لزی جمبرلین در کتاب «کشتی فیلسوفان»، ما را با یکی از لحظه‌های سیاه و البته بیش‌وکم مسکوت‌مانده تاریخ سانسور و سرکوب اندیشه مواجه می‌کند؛ لحظه‌ای که دو کشتی حامل تعداد زیادی از روشنفکران که ولادیمیر لنین، رهبر و بنیانگذار روسیه شوروی، آن‌ها را عناصری نامطلوب تشخیص داده و حکم به اخراج‌شان از شوروی داده بود، از سنت پترزبورگ به سمت اروپا به راه افتاد. لزی جمبرلین، نویسنده انگلیسی متولد ۲۶ سپتامبر ۱۹۵۱، در حوزه‌های مختلفی چون سفرنامه‌نویسی و تاریخ روسیه و آلمان فعالیت داشته است.



## کشتی فیلسوفان

نویسنده:

لزی جمبرلین

مترجم:

شهر بانو صارمی

انتشارات:

کتاب پارسه

## تاریخ

## غرق شدن خانواده ایرانی در کانال مانس



کانال مانس، پرتوفیک‌ترین و شلوغ‌ترین خط کشتیرانی در جهان است. بر اساس آمار سازمان بین‌المللی مهاجرت، در هشت‌ماهه اول سال ۲۰۲۰، ۵۵۴ نفر در راه رسیدن به اروپا در این کانال جان خود را از دست دادند. بعد از سال ۲۰۱۸ مهاجرت از طریق کانال مانس بالا گرفت و در ششم آبان‌ماه ۱۳۹۹ نیز یک خانواده پنج‌نفره گرد سردشتی که قصد مهاجرت به انگلیس را داشتند در کانال مانس در اثر برخورد با موج‌های بلند و دریای طوفانی غرق شدند. پدر این خانواده، رسول ایران‌نژاد ۳۵ سال داشت و به‌همراه همسرش، شیوا محمدپناهی و سه فرزندش در این حادثه جان باختند. جسد فرزندی ۱۵ ماهه این خانواده به‌نام آرتین هیچ‌گاه پیدا نشد و این سانحه دلخراش باعث واکنش گسترده رسانه‌ها شد؛ به‌طوری‌که روزنامه‌های ایندیندند، دیلی میل، گاردین و بی‌بی‌سی به آن به‌طور مفصل پرداختند. بوریس جانسون، نخست‌وزیر وقت بریتانیا نیز پس از ابراز همدردی با خانواده قربانیان گفت: «ما تمام تلاش خود را برای سرکوب گروه‌های بی‌رحم تهپکار به کار می‌بندیم؛ گروه‌هایی که مردم آسیب‌پذیر را عازم سفرهایی چنین خطرناک می‌کنند.»